**پرداخت حقوق الله**

**حضرت بهاءالله:**

1 - " والّذي تملّك مائة مثقال من الذّهب فتسعة عشر مثقالا لله فاطر الأرض والسّمآء إيّاكم يا قوم أن تمنعوا أنفسكم عن هذا الفضل العظيم  قد أمرناكم بهذا بعد إذ كنّا غنيا عنكم وعن كلّ من في السّموات والأرضين  إنّ في ذلك لحكم ومصالح لم يحط بها علم أحد إلاّ الله العالم الخبير  قل بذلك أراد تطهير أموالكم وتقربّكم إلى مقامات لا يدركها إلاّ من شآء الله إنّه لهو الفضّال العزيز الكريم  يا قوم لا تخَوُنُوا في حقوق الله ولا تُصَرِّفُوا فيها إلاّ بعد إذنه كذلك قضي الأمر في الألواح وفي هذا اللّوح المنيع  من خان الله يخان بالعدل والّذي عمل بما أمر ينزل عليه البركة من سمآء عطآء ربه الفيّاض المعطي الباذل القديم  إنّه أراد لكم ما لا تعرفونه اليوم سوف يعرفه القوم إذا طارت الأرواح وطويت زرابيّ الأفراح كذلك يذكّركم من عنده لوح حفيظ "

(كتاب اقدس – بند 97)

2 - " كلّ ذلك بعد أدآء حقّ الله " (كتاب اقدس – بند 28)

3 – " سؤال : از نصاب حقوق اللّه.

جواب : نصاب حقوق اللّه 19 مثقال از ذهب است يعنی بعد از بلوغ نقود به اين مقدار حقوق تعلّق می گيرد و امّا ساير اموال بعد از بلوغ آن به اين مقام قيمةً لا عدداً و حقوق اللّه يک مرتبه تعلّق می گيرد مثلاً شخصی مالک شد هزار مثقال از ذهب را و حقوق آن را ادا نمود بر آن مال ديگر حقّ اللّه تعلّق نمی گيرد مگر بر آنچه به تجارات و معاملات و غير هما بر آن بيفزايد و به حدّ نصاب برسد يعنی منافع محصوله از آن در اين صورت بما حکم به اللّه بايد عمل شود الّا اذ انتقل اصل المآل الی يد اخری اذاً يتعلّق به الحقوق کما تعلّق اوّل مرّة در آن وقت حقوق الهی بايد اخذ شود نقطه اولی می فرمايد از بهاء کلّ شیء که مالکند بايد حقوق اللّه را ادا نمايند ولکن در اين ظهور اعظم اسباب بيت و بيت مسکون را عفو نموديم يعنی اسبابی که ما يحتاج به است. " (رساله سؤال و جواب، 8)

4 – " سؤال : حقوق اللّه و ديون ميّت و تجهيز اسباب کدام مقدّم است.

 جواب : تجهيز مقدّم است بعد اداء ديون بعد اخذ حقوق اللّه و اگر مال معادل ديون نباشد آنچه موجود است به مقتضای ديون قليلاً و کثيراً قسمت شود. " (رساله سؤال و جواب، 9)

5 – " سؤال : در کتاب اقدس حقوق اللّه نازل. آيا بيت مسکون و متروکات آن و مايحتاج جزو اموالی است که حقوق بر آن ثابت ميشود يا نوع ديگر است.

جواب : در احکام فارسيّه می فرمايد "در اين ظهور اعظم اسباب بيت و بيت مسکون را عفو نموديم يعنی اسبابی که مايحتاج به است". " (رساله سؤال و جواب ، 42)

6 – " سؤال : اگر بالفرض اموال شخصی صد تومان باشد و حقوق را ادا نموده بعد در تجارت نقصان واقع شود و نصف اين مبلغ تلف شود باز به تجارت به نصاب رسد حقوق بايد داد يا نه.

 جواب : در اين صورت حقوق بر آن تعلّق نميگيرد. " (رساله سؤال و جواب، 44)

7 – " سؤال : اگر مبلغ معهود به کلّی بعد از اداء حقوق تلف شود و دفعه ديگر از کسب و تجارت همين مبلغ حاصل شود حقوق ثانی بايد داد يا نه.

جواب : در اين صورت هم حقوق ثابت نه. " (رساله سؤال و جواب، 45)

8 – " سؤال : آيا شخص می تواند در کتاب وصيّت از اموال خود چيزی قرار بدهد که بعد از وفات او در امورات خيريّه صرف شود به غير اداء حقوق اللّه و حقوق ناس يا آنکه جز مخارج کفن و دفن و حمل نعش حقّی ندارد و ما بقی اموال کما فرض اللّه به ورّاث ميرسد.

جواب : انسان در مال خود مختار است اگر بر اداء حقوق الهی موفّق شود و همچنين حقّ النّاس بر او نباشد آنچه در کتاب وصيّت بنويسد و اقرار و اعتراف نمايد مقبول بوده و هست. قد اذن اللّه له بان يفعل فيما ملّکه اللّه کيف يشآء. "

(رساله سؤال و جواب، 69)

9 – " سؤال : هر گاه شخص متوفّی حقوق اللّه يا حقّ النّاس بر ذمّه او باشد از بيت مسکون و البسه مخصوصه و ساير اموال بالنّسبه بايد ادا شود يا آنکه بيت و البسه مخصوص ذکران است و ديون بايد از ساير اموال داده شود و هر گاه ساير ترکه وفا نکند به ديون چگونه معمول شود.

جواب : ديون و حقوق از ساير اموال داده شود و اگر اموال وفا نکند از بيت مسکون و البسه مخصوصه ادا شود. "

(رساله سؤال و جواب، 80)

10 – " سؤال : در الواح الهيّه نازل شده هر گاه کسی مالک شود معادل نوزده مثقال ذهب را بايد حق اللّه را از آن ادا نمايد. بيان شود از نوزده چه قدر داده شود.

جواب : حکم اللّه در صد نوزده معيّن شده از آن قرار حساب نمايند معلوم می شود بر نوزده چه مقدار تعلّق ميگيرد. " (رساله سؤال و جواب، 89)

11 – " سؤال : از حقوق ملکی که منفعت از آن عايد نمی شود.

جواب : حکم اللّه آنکه ملکی که انتفاع آن مقطوع است يعنی نفعی از آن حاصل نمی شود حقوق بر آن تعلّق نمی گيرد و انّه لهو الحاکم الکريم. " (رساله سؤال و جواب، 102)

12 - " اصل نصاب که حقوق بر آن تعلّق ميگيرد عدد نوزده است و اين مطابق است با کتاب مبارک اقدس چه که در آن آيه مقصود بيان مقدار بوده نه نصای " (ص ١٤٣ ج ٨ مائده آسمانی ط ١٢١ بديع)

13 – " يا قوم اوّل امر عرفان حقّ جلّ جلالُهُ و آخَر آن استقامت و بعد تطهير مال و مَا عِنْدَ الْقَومِ بِمَا اَمَرَ بِهِ اللّهُ بوده . لذا بايد اوّل حقوق الهی اداء شود و بعد توجّه به بيت . محض فضل اين کلمه ذکر شد " (ص ٢٥ ج ٨ مائده آسمانی ط ١٢١بديع)

14 – " امر حقوق بسيار عظيم است سبب و علّت برکت و نعمت و رفعت و عزّت بوده و هست "

(ص ٩٩ گنجينه حدود و احکام)

15 – " وَيْلٌ لِغَنِیٍ أَمْسَکَ حُقُوقَ اللّهِ وَ مَا فُرِضَ فِي لَوْحِهِ الْحَفِيْظِ " (ص ١٦٠ ج ٣ امر و خلق)

7 - " فی الحقيقه امر حقوق الهی امر بزرگی است . بر جميع ادای آن لازم چه که اوست سبب نعمت و برکت و خيرات " . (ص ١٠٣ گنجينه حدود و احکام)

16 - " اين حقوق که ذکر شده و از افق سماء لوح الهی حکم آن اشراق نموده ، نفع آن بخود عباد راجع است . لَعِمْرُ اللّهِ اگر مطّلع شوند بر آنچه مستور است آگاه گردند از بحر فضلی که در اين حکم مکنون است ، جميع ناس آنچه را مالکند در سبيل ذکرش انفاق نمايند " . (ص ٢٣٥ج ٧ آثار قلم اعلی)

17 - " اداء حقوق الهی بر کلّ فرض است و حُکمش از قلم اعلی در کتاب نازل و ثابت ولکن اظهار و اصرار ابداً جائز نه . هر نفسی مرفّق شود بر اداء آن و بروح و ريحان برساند مقبولست و الّا فلا . از بابت تذکّر يکبار بايد عموماً در مجلس ذکری بشود و بس . نفوس موقنه ثابته بصيره خود اقدام مينمايند و بِمَا اُمِرُوْابِهِ مِنْ لَدَی اللّه عامل ميشوند نفع اين فقره بخود آن نفوس راجع اِنّ اللّهَ غَنِي عَنِ الْعَالَمينَ " (ص ١٥ مجموعه ای از نصوص مبارکه و دستخطهای بيت العدل اعظم الهی در باره حقوق اللّه)

18 - " از جمله حقوق اللّه نازل و اگر ناس بادای آن موفّق شوند البتّه حقّ جلّ و عزّ برکت عنايت فرمايد و هم آن مال نصيب خود آن شخص و ذريّه او شود چنانچه مشاهده مينمائی اکثری از اموال ناس نصيب ايشان نشده و نميشود و اغيار را حقّ بر آن مسلّط ميفرمايد و يا ورّاثی که اغيار بر ايشان ترجيح دارد . حکمت بالغه الهی فوق ذکر و بيان است "

(ص ١٠٢گنجينه حدود و احکام)



**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " ای ياران عبدالبهاء محض الطاف بی پايان حضرت يزدان بتعيين حقوق اللّه بر عباد خويش منّت گذاشت وَ الّا حقّ مستغنی از کائنات بوده و اللّهُ غَنِیٌ عَنِ الْعَالَمِيْنَ امّا مفروضی حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس و برکت در جميع شؤون گردد " (حضرت عبدالبهاء - الواح مبارکه وصایا)

2 - " ای ياران ربّانی من اين يقين و مسلّم است که حضرت بيچون در جميع شؤون بغنای مطلق موصوف و برحمت واسعه مشهور و بفيض ابدی مألوف و بعطاء عالَم وجود معروف ولی نظر بحکمت بالغه و امتحانات خارقه تا آشنا از بيگانه امتياز يابد حقوق بر عباد خويش واجب و مفروض فرمود . نفوسی که اطاعت اين امر مبرم نمودند ببرکت آسمانی موفّق و در دو جهان روی روشن و مشام از نسيم عنايت معطّر کردند . از جمله حکمتهای بالغه اينکه اعطای حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس گردد و نتائج عظيمه بارواح و قلوب بخشد و در موارد خيريّه مصرف گردد " (ص ١٠٠ گنجينه حدود و احکام)

3 - " در خصوص حقوق سؤال نموده بوديد انسان در ظرف يکسال آنچه منفعت کند بايد مصارف ساليانه خود را منها کند پس از آنچه که زيادی مانده در صد نوزده حقوق بدهد يعنی شخصی در ظرف يکسال از تجارتش هزار ليره منفعت برده ، مصارف ساليانه خويش را که ششصد ليره باشد منها ميکند چهار صد ليره زيادی دارد ، حقوق بر اين چهار صد ليره تقرّر حاصل ميشود يعنی بايد از چهار صد ليره از هر صدی نوزده ليره که جمعش هفتادو شش ليره ميشود بجهت مصارف خيريّه حقوق بدهد "

(ص ٢٦ مجموعه ای از نصوص مبارکه و دستخطهای بيت العدل اعظم الهی درباره حقوق اللّه)

4 - " سبحان اللّه اغنيای احبّا همّتی ننمايند و خدمتی نکنند از بس تعلّق باين اموال دنيا دارند ولی بالتّصادف بعد از وفات ، اموالشان در دست دشمنان آنان افتد . ميخورند و بقول عوام فاتحه ميخوانند " (ص ١٠٤ گنجينه حدود و احکام)



**بیت العدل:**

1 - " فريضه حقوق اللّه در اين آيه مبارکه مقرّر گشته و آن عبارت از تقديم ميزان معيّنی از مايملک هر فرد بهائی است . حقوق اللّه در ابتدا به جمال اقدس ابهی ، مظهر ظهور الهی و بعد از صعود مبارک به حضرت عبدالبهاء ، مرکز ميثاق ، تقديم می گرديد . در الواح مبارکه وصايا حضرت عبدالبهاء می فرمايند : حقوق اللّه راجع به وليّ امراللّه است . حال چون کرسی ولايت خالی است حقوق اللّه به مرجع امراللّه که بيت العدل اعظم است راجع می گردد . عايدات اين صندوق به مصرف ترويج امراللّه و تأمين مصالح امريّه و اعمال خيريّه و منافع عموميّه می رسد . اداء حقوق اللّه وظيفه ای است روحانی که انجامش به وجدان افراد بهائی موکول گشته است . اهميت فريضه حقوق اللّه را ميتوان به جامعه بهائی تذکّر داد ولی هيچ کس حق ندارد از افراد مطالبه حقوق نمايد . در چند فقره از رساله \*(سؤال و جواب)\* توضيحات بيشتری در باره حکم حقوق اللّه مذکور گشته است . اداء حقوق مبتنی بر محاسبه ارزش دارائی افراد است . فريضه روحانی هر شخصی آن است که اگر ارزش دارائی او اقلّاً معادل با نوزده مثقال طلا باشد (سؤال و جواب ، فقره ٨) ، نوزده در صد آن مبلغ را بابت حقوق اللّه بپردازد و حقوق اللّه بر اين مبلغ فقط يک مرتبه تعلّق می گيرد (سؤال و جواب ، فقره ٨٩) . بعد از آن هر موقع در آمد او ، پس از وضع همه مصارف ، به لا اقل معادل نوزده مثقال طلا افزايش يابد ، نوزده در صد اين افزايش بايد بابت حقوق اللّه پرداخت شود . هر يک از عوايد بعدی نيز به همين ترتيب محاسبه می گردد )سؤال و جواب ، فقرات ٩ و ٨٠) . بعضی از اقلام دارائی از قبيل خانه مسکونی از پرداخت حقوق اللّه معاف است )سؤال و جواب ، فقرات ٨ ، ٤٢ و ٩٥) . همچنين در موارد زيان مالی (سؤال و جواب ، فقرات ٤٤ و ٤٥) و املاکی که منفعت از آن عايد نشود )سؤال و جواب ، فقره ١٠٢) و پرداخت حقوق اللّه که بر ذمّه شخص متوفّی باشد )سؤال و جواب ، فقرات ٩ ، ٦٩ و ٨٠) مقرّرات خاصّی وضع گرديده است . ( در مورد اخير به يادداشت شماره ٤٧ نيز مراجعه شود .) منتخبات عديده‌ای از الواح و فقراتی از رساله \*(سؤال و جواب)\* و ساير آثار مبارکه در باره اهميت روحانی حقوق اللّه و جزئيات مربوط به اجرای آن در مجموعه‌ای تحت عنوان "حقوق اللّه" طبع و نشر گرديده است " (كتاب اقدس – شرح 125)

2 - " در مورد تقسيم ارث ، جمال اقدس ابهی تصريح می فرمايند که هزينه کفن و دفن ميّت بر ساير مخارج مقدّم است ، بعد از آن اداء ديون است و سپس پرداخت حقوق اللّه. همچنين می فرمايند که پرداخت اين وجوه بايد از ماترک شخص متوفّی سوای خانه مسکونی و البسه مخصوصه تأمين شود و اگر کافی نبود از اين اموال استفاده شود " ( كتاب اقدس – شرح 47)

****